

رأبرت وانوی، پیامبران بزرگ، درس نهم

اشعیا ۱۱:۱۱-۱۲:۶؛ اشعیا ۲۸

اشعیا ۱۱:۱۱-۱۶

بسیار خوب، بقیه فصل ۱۱، یعنی آیات ۱۱ تا ۱۶، بخشی است که من در ربع گذشته به آن اشاره کردم - نمی‌دانم آن را به خاطر دارید یا نه. این بخشی است که تفسیر آن آسان نیست. من تمایل دارم نتیجه بگیرم که این آیات وقایعی را توصیف می‌کنند که قرار است درست قبل از آغاز هزاره یا در اوایل هزاره اتفاق بیفتند. به عبارت دیگر، من آن را ارتباط نزدیکی با بخش اول فصل می‌بینم. با این حال، جزئیات آن دشوار است. بیایید متن را بخوانیم، سپس چند نظر خواهم داد». و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند بار دیگر دست خود را دراز خواهد کرد تا بازماندگان قوم خود را که از آشور و مصر و فتروس و کوش و عیلام و شنعار و حمات و سواحل دریا باقی مانده‌اند، باز گرداند. و او پرچمی برای ملت‌ها بر خواهد افراشت و رانده‌شدگان اسرائیل را گرد هم خواهد آورد و پراکنده‌شدگان یهودا را از چهار گوشه زمین گرد هم خواهد آورد. حسادت افرایم نیز از بین خواهد رفت و دشمنان یهودا از بین خواهند رفت. افرایم به یهودا حسادت نخواهد کرد و یهودا افرایم را آزار نخواهد داد. بلکه آنها بر دوش فلسطینیان به سمت غرب پرواز خواهند کرد. آنها آنها را از شرق با هم غارت خواهند کرد. آنها دست خود را بر ادوم و موآب خواهند گذاشت. و بنی‌عمون از آنها اطاعت خواهند کرد. و خداوند زبان دریای مصر را کاملاً نابود خواهد کرد. و با باد شدید خود دست خود را بر رودخانه تکان خواهد داد و آن را در آنجا خواهد زد.» هفت نهر را بگشا و مردم را با کفش خشک از آن عبور بده. و برای بازماندگان قومش که از آشور باقی می‌مانند، «شاهراهی وجود خواهد داشت، همانطور که برای اسرائیل در روزی که از سرزمین مصر بیرون آمد، چنین بود».

ماهیت گفتمان نبوی - بازگشتگان از تمام جهان دوباره گرد هم می‌آیند

فکر می‌کنم قبلاً در رابطه با بحثمان در مورد ماهیت گفتمان نبوی به این پیشگویی اشاره کردم، که تا آنجا که به ویژگی آن مربوط می‌شود، تاریخی از پیش نوشته شده نبود. شما تمام جزئیات را ندارید، و یک عنصر معمایی خاص در آن وجود دارد، و وقتی پیشگویی‌ای مانند این را می‌خوانید، فکر می‌کنم می‌بینید که دقیقاً از خود می‌پرسید که چگونه قرار است تمام جزئیات محقق شوند. اگر به صفحات ۱۴ و ۱۵ زیر عنوان «اسوالت» نگاه کنید، نظرات او را در پاراگراف بعدی، کمی مانده به آخرین پاراگراف در صفحه ۱۴ می‌بینید که با این جمله شروع می‌شود: «در حالی که مفهوم کلی این آیات واضح است»، که از صفحه ۲۹۶ می‌آید، در پاراگرافی در اسوالت «می‌گوید»: «در حالی که مفهوم کلی این آیات واضح است، جزئیات آن چندان واضح نیست. آیا پیامبر از بازگشت از بابل در سال ۵۳۹ قبل از میلاد صحبت می‌کند؟ می‌بینید، در ۱۱ آمده است: «باید اتفاق بیفتد که خداوند بار دیگر دست خود را دراز کند تا بقایای قوم خود را بازیابی کند.» - آیا این بازگشت از بابل در سال ۵۳۹ است؟ اگر چنین است، مسیح هنوز آشکار نشده است و به سختی می‌تواند پرچمی باشد که مردم دور آن جمع می‌شوند؛ به

مراجعه کنید که می‌گوید: «او پرچمی برای ملت‌ها برپا خواهد کرد.» اگر به آیه ۱۰ برگردید، به وضوح به ۱۲ نظر می‌رسد که او مسیح است. آیا اشعیا در واقع از اسرائیل جدید، کلیسا، صحبت می‌کند؟ همانطور که اصلاح‌طلبان، مثلاً کالوین، معتقد بودند؟ مطمئناً در آیه ۱۰، مؤمنان از هر نقطه جهان به مسیح گرد هم آمدند، به شیوه‌ای که یادآور آیات ۲:۲-۴ است که به نظر می‌رسد این بخش را با اشاره به ملت‌ها به طور کلی آغاز می‌کند. با این وجود، به نظر می‌رسد تمرکز اصلی این متن بر ملت تاریخی اسرائیل است، به طوری که به نظر می‌رسد نکته، نوعی گردهمایی نهایی بزرگ قوم یهود است، مانند آنچه پولس در رومیان ۱۱ به آن اشاره می‌کند.

من تمایل دارم در این مورد با او موافق باشم؛ اگر این [موضوع] در جنبش صهیونیستی معاصر آغاز شده باشد، همانطور که بسیاری معتقدند، می‌توانیم با اشتیاق به تکمیل نهایی آن و روی آوردن ملت یهود به خدا در مسیح در آینده بنگریم - که مطمئناً هنوز اتفاق نیفتاده است. در آیه 11، جایی که می‌گوید: «او بازماندگان قوم خود را که از آشور و مصر و از پطروس هدایت می‌شوند، بازیابی خواهد کرد» (و غیره، اسوالت می‌گوید ایده‌ای که در آنجا وجود دارد، کامل بودن است؛ به عبارت دیگر، مردم از تمام نقاط زمین باز خواهند گشت - خداوند آنها را به سرزمین خود باز خواهد گرداند - بنابراین این پاراگراف آخر در صفحه 14 است. اسوالت معتقد است که هدف بیشتر مجازی است و سعی می‌کند بگوید که خدا قادر است قوم خود را از همه جا بازگرداند. او این را به عنوان ایده اصلی در نظر می‌گیرد. بالای صفحه ۱۵، در مورد آیه ۱۲، به نظر می‌رسد این آیه، به شکل شعر، همان چیزی را می‌گوید که آیات قبلی به نثر می‌گویند: بازگشت‌کنندگان از سراسر زمین خواهند آمد، این در صفحه ۲۸۸ است، و پاراگراف بعدی در مورد آیات ۱۳-۱۴ است، که آن هم در صفحه ۲۸۸ است.

جورج آدام اسمیت این تصویر از تسلیم اجباری را به عنوان چیزی ناشایست برای «پیامبر صلح» بزرگ بی‌اعتبار کرد. می‌بینید که در آیات ۱۴ و ۱۵ آمده است: «آنها پرواز خواهند کرد»، این قوم بازگشته، «بر دوش، فلسطینیان به سمت غرب پرواز خواهند کرد؛ آنها را به سمت شرق غارت خواهند کرد، دست خود را بر ادم و موآب خواهند گذاشت» (و غیره... جورج آدام اسمیت این تصویر از تسلیم اجباری را به عنوان چیزی ناشایست برای پیامبر صلح بزرگ، بی‌اعتبار کرد. با این حال، نباید ایده‌های قرن نوزدهم میلادی در مورد «توافق متقابل بر سر توقف جنگ» را بر پیامبر قرن هشتم پیش از میلاد تحمیل کرد - در واقع، ایده صلح در نتیجه توافق متقابل ملت‌ها، ایده‌ای کتاب مقدسی نیست. ایده کتاب مقدس، ایده اشعیا، صلحی است که از تسلیم متقابل در برابر یک حاکم قاطع حاصل می‌شود. تنها زمانی که خدا دشمنان خود را شکست داده و آنها تسلیم او شده‌اند، چشم‌انداز صلحی که باید باشد، همانطور که در آیات ۶:۱۱-۹ می‌خوانیم، محقق می‌شود.

مشکلی که عبرانیان داشتند، در پذیرش این بود که آنها نیز دشمنان خدا هستند و باید تسلیم او شوند. آنها، مانند ما، آرزو داشتند خود را عزیزان خدا بدانند، تا بتوانند از خدا برای رسیدن به اهداف سیاسی خود استفاده کنند. بنابراین این تصویری نیست که اشعیا در اینجا ارائه می‌دهد؛ بلکه او بار دیگر می‌گوید که گناه اسرائیل نمی‌تواند وعده‌های خدا به اسرائیل را از بین ببرد. او به طور مجازی به زمان آینده‌ای از امنیت و آسایش داخلی و خارجی

مشابه آنچه که آنها از داوود می‌دانستند اشاره می‌کند، اما این امنیت توسط کسی بزرگتر از داوود تأمین می‌شود. بنابراین اسوالت می‌گوید آنچه شما در اینجا دارید شرایطی است که زمانی که خداوند قوم خود اسرائیل را قبل یا اوایل دوره هزاره به سرزمین خود بازگرداند، محقق خواهد شد.

اکنون آن را با ای. جی. یانگ، صفحه ۱۹. ای-میل یانگ آن را به عنوان نمادی از گسترش انجیل می‌بیند و ۲۰ از نقل قول‌های خود مقایسه کنید. ای. جی. یانگ کل این متن را به عنوان توصیفی نمادین از گسترش انجیل در زمان حال در نظر می‌گیرد. پاراگراف دوم، در اواسط صفحه ۱۹، از ۳۹۶ کتاب یانگ است و او در مورد آیه صحبت می‌کند. او می‌گوید: «مسیح نقطه جذبی برای بت‌پرستان خواهد بود و از طریق کار موعظه مسیحی، ۱۲ مبلغان مسیحی، آنها را به سوی خود جذب خواهد کرد. بنابراین، به ویژه در این روزگار، چقدر مهم است که کلیسا مبلغانی را به چهار گوشه زمین بفرستد که این حقیقت را اعلام کنند که جدا از مسیح واقعی، عیسی، هیچ «رستگاری وجود ندارد».

می‌بینید که آیه ۱۲ این است: «او پرچمی برای امت‌ها بر خواهد افراشت»، که همان مسیح است، «و رانده‌شدگان اسرائیل را جمع خواهد کرد و پراکنده‌شدگان یهودا را از چهار گوشه زمین گرد خواهد آورد». این استعاره‌ای از گسترش انجیل است. در آیه ۱۳، در صفحه ۳۹۸، پاراگراف بعدی، ۱۳ این است: «حسد افرایم نیز از بین خواهد رفت و دشمنان یهودا نابود خواهند شد: افرایم به یهودا حسادت نخواهد ورزید و یهودا افرایم را آزار نخواهد داد». «آن تنش بین دو پادشاهی از دوره تاریخی قرار است از بین برود. یانگ در این مورد چه می‌گوید؟ در مسیح همه تمایزات ملی، فرقه‌ای و منطقه‌ای از بین خواهد رفت و از طریق تشبیه به کار رفته در این آیه «می‌آموزیم که در مسیح وحدت واقعی و مکانی برای همه انسان‌ها از هر نژاد یا رنگی وجود دارد و تنها مسیح می‌تواند آنها را یکی کند» - این صفحه ۳۹۸ است. در آیه ۱۴ آمده است: «ایشان بر دوش فلسطینیان به سوی غرب پرواز خواهند کرد؛ و آنان را از شرق با هم غارت خواهند نمود؛ و دست خود را بر ادم و موآب دراز خواهند کرد؛ و بنی عمون از ایشان اطاعت خواهند نمود». «او می‌گوید»: این وحدت حقیقی ایمان و مخالفت با خصومت جهان است. این وحدت حقیقی خود را پنهان نمی‌کند، به خود تجاوز نمی‌کند، بلکه از خود دفاع می‌کند و منتظر حمله است. این وحدت حالت تهاجمی به خود می‌گیرد؛ دشمنان مسیح باید نابود شوند و در قدرت وحدتی که مسیح به مردم می‌دهد، بر فلسطینیان، یعنی نمایندگان دشمنان خدا و کلیسای او، غلبه کنند «- صفحه ۳۹۸. سپس می‌گوید: «آنچه اشعیا در اینجا توصیف می‌کند، البته نمی‌تواند به معنای واقعی کلمه درک شود. بلکه، در اینجا تصویری زیبا از وحدتی است که در اختیار مقدسین خدا قرار دارد و نه از طریق اعمال خودشان، بلکه از طریق خون مسیح و عمل پرشور مشارکت در کار فتح جهان دشمن به دست آمده است - فتحی که از طریق اعزام مبلغان و عمل مداوم اعلام پرشور و وفادارانه نصیحت خدا به هر موجودی حاصل می‌شود» - صفحه ۲۰.

امید باشکوهی که در اینجا برای قوم خدا مطرح شده است، شامل غارت اعراب کوچ‌نشین بیابان نیست. «

بلکه شامل وظیفه مبارک شناساندن قدرت نجات‌بخش خدا به کسانی است که مانند پولس رسول، زمانی آزار دهنده کلیسا بودند. دعای همیشگی ما باید این باشد که فرزندان شرق غارت شوند تا از ثروت و دارایی‌های کاذب محروم شوند و در عوض مسیح خدا را داشته باشند. این تصویر، وارونه‌سازی کامل شرایط است، نه اینکه در فلسطین اتفاق بیفتد، حتی اگر گفته شود: «او پراکنده‌شدگان یهودا را از چهار گوشه زمین جمع خواهد کرد، او بار دیگر دست خود را دراز خواهد کرد تا بقایای قوم خود را از این مکان‌ها بازیابی کند.» او می‌گوید این اتفاق قرار نیست در فلسطین رخ دهد، بلکه در میدان وسیع‌تر جهان رخ خواهد داد - وارونه‌سازی که شامل دست دراز کردن قوم خدا برای آوردن همه انسان‌ها و اسیر کردن آنها به سوی مسیح خواهد بود. اینجا منظور اشعیا نیست، این آیه ۱۶ است، که عمدتاً درباره بازگشت از تبعید بابلی است، هرچند ممکن است فکر چنین بازگشتی در پایه و اساس این پیشگویی نهفته باشد.

آزولت تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ را به عنوان یک تحقق احتمالی جزئی می‌بیند.

حالا، من فکر می‌کنم که اسوالت می‌گوید که این ممکن است پیش‌درآمد اولیه‌ای از آنچه قرار است اینجا اتفاق بیفتد باشد، اما بخش زیادی از این هنوز مشخص نشده است. به عبارت دیگر، آنچه در سال ۱۹۴۸ اتفاق افتاد و تولد دوباره ملت اسرائیل ممکن است با آنچه در اینجا می‌یابیم مرتبط باشد، و نشانه‌ای از آنچه در اینجا می‌یابیم قرار است به شکلی کامل‌تر اتفاق بیفتد، مطمئناً کسانی که بازگشته‌اند به مسیح روی نیاورده‌اند. من فکر می‌کنم اسوالت این را می‌گوید. آن صفحه چیست؟ خب، او می‌گوید: «به نظر می‌رسد تمرکز اصلی بر ملت تاریخی اسرائیل است، بنابراین احتمالاً به همان گردهمایی نهایی بزرگ قوم یهود مانند آنچه پولس در فصل ۱۱ رومیان به آن اشاره می‌کند، اشاره دارد.» سپس می‌گوید: «اگر این در جنبش صهیونیستی آغاز شده باشد، اگر در جنبش صهیونیستی آغاز شده باشد، همانطور که بسیاری معتقدند، می‌توانیم با انتظار به یک تکمیل نهایی و بازگشت به خدا در مسیح توسط ملت یهود چشم بدوزیم.» شما درک کامل‌تری از آن خواهید داشت، اما او این احتمال را رد نمی‌کند که حداقل سال ۱۹۴۸ مرحله اولیه احتمالی باشد. با یانگ، شما کاملاً از این دسته‌ها خارج هستید؛ شما در حال رسیدن به یک رضایت معنوی در گسترش انجیل هستید.

نه، اسوالت از اصطلاح «مجازی» استفاده نمی‌کند، او این کار را نمی‌کرد. خب، او اصطلاح مجازی را به این معنا به کار می‌برد: وقتی مثلاً در آیه ۱۱ می‌گوید: «خداوند این بازماندگان قوم خود را باز خواهد گرداند» و سپس نام‌هایی را ذکر می‌کند: «از آشور و از مصر و از پطروس و از کوش و از عیلام و از شنعار و از حمات»، منظورش این است که «نیازی نیست نتیجه بگیرید که مردم فقط از آن مکان‌های خاص باز خواهند گشت و معنای تحت‌اللفظی را در آنجا به کار ببرید.» او می‌گوید این مکان‌ها چهار گوشه زمین را نشان می‌دهند؛ آنها مجازی هستند که می‌گویند: «خدا قوم خود را از همه جا باز خواهد گرداند»، اما این یک بازگشت واقعی است و بازگشت قوم یهود به یک مکان جغرافیایی خاص در فلسطین است، بنابراین به آن معنا مجازی نیست. در حالی که

می‌بینید یانگ می‌گوید، این اصلاً جغرافیایی نیست؛ این صرفاً یک روش مجازی برای بیان گسترش انجیل و مخالفت قوم خدا با شرارت و بدی در هر کجا که باشد، است.

هشدار وانوی در مورد اسرائیل امروزی در بی‌ایمانی

دو طرف وجود دارد، و من فکر می‌کنم شما باید در نتیجه‌گیری بسیار محتاط باشید فقط به این دلیل که اسرائیل به سرزمین خود بازگشت - می‌دانید، همانطور که برخی گفتند - زمان غیریهودیان اکنون به پایان رسیده است. افراد دیگری این را در جنگ شش روزه گفتند و افراد دیگری آن را در ارتباط با رویدادهای دیگر گفتند. اما ما نمی‌دانیم چه اتفاقی برای کشور اسرائیل خواهد افتاد - در حال حاضر بعید به نظر می‌رسد، اما، می‌دانید، آن اعرابی هستند که می‌توانند اسرائیل را به دریا هل دهند. شما از نظر تئوری می‌دانید که این می‌توانست اتفاق بیفتد. بنابراین از یک طرف فکر می‌کنم شما باید در مورد گفتن چیزهایی که در سال ۱۹۴۸ یا در سال ۱۹۶۷ یا هر زمان دیگری اتفاق افتاده است، به طور خاص تحقق یک پیشگویی خاص هستند، مراقب باشید. از طرف دیگر، به نظر من مثبت‌تر، می‌توانید بگویید که این یک چیز قابل توجه است که در سال ۱۹۴۸ این ملت دوباره تشکیل شد. اینجا مردمی هستند که طی قرن‌ها پراکنده شده‌اند و تلاش‌هایی برای نابودی، یا سرکوب و محو آنها صورت گرفته است، و با وجود همه اینها هنوز وجود دارند. آنها باز می‌گردند و دولت تشکیل می‌دهند، زبان عبری را بازسازی می‌کنند، فرهنگ خود را بازسازی می‌کنند و هویت خود را به عنوان یک ملت حفظ می‌کنند.

حالا، به دوره عهد عتیق برگردیم؛ از نظر تاریخی، بابلی‌ها و آشوری‌ها، موآبی‌ها، فلسطینی‌ها، عمونی‌ها کجا هستند؟ آنها رفته‌اند - آنها ناپدید شده‌اند. هیچ اثری از آنها باقی نمانده است، و با این حال کتاب مقدس به ما گفته است که اسرائیل از سرزمین پراکنده خواهد شد و در آینده خداوند آنها را به سرزمین باز خواهد گرداند، و ما در طول تاریخ می‌بینیم که چگونه این مردم هویت خود را حفظ کرده‌اند و در واقع، کشور اسرائیل را بازسازی کرده‌اند. فکر نمی‌کنم بتوانید اهمیت این را کم کنید. می‌دانید، بسیاری از تفاسیر هزاره‌گرایانه از کتاب مقدس در زمانی شکل گرفت که به نظر می‌رسید اسرائیل تقریباً از بین رفته و ناپدید شده است - آنها به عنوان یک کشور دوباره تأسیس نشدند.

حالا، بخش‌های دیگری هم هست که باید بررسی شوند. فکر می‌کنم باید آیات دیگری را هم اضافه کنید که می‌گویند وقتی اسرائیل در تبعید است، آنها به درگاه خداوند فریاد می‌زنند و به سوی خداوند روی می‌آورند و سپس او آنها را باز می‌گرداند، و ما چنین چیزی ندیده‌ایم. به نظر می‌رسد کسانی بوده‌اند که به سرزمین اسرائیل برگشته‌اند، اما به سوی خداوند روی نیاورده‌اند. ببینید، اگر به تنه ۳۲ مراجعه کنید... ببینید می‌توانم پیدایش کنم یا نه... آیا این آیه همان است؟ نه، این 30 است، «هنگامی که همه این چیزها، یعنی برکت و لعنتی که پیش روی تو گذاشته‌ام، بر تو واقع شود، و تو آنها را در میان همه امت‌هایی که خداوند تو را به سوی آنها رانده است، به یاد آوری، و تو و فرزندانت با تمام دل و تمام جان خود به سوی خداوند، خدای خود بازگشته، و مطابق هر آنچه

امروز به تو فرمان می‌دهم، به سوی او بازگردی، تا تو و فرزندانت با تمام دل و تمام جان خود، صدای او را اطاعت کنید. آنگاه خداوند اسارت تو را برگرداند و بر تو رحم کند و بازگردد و تو را از میان امت‌هایی که خداوند، خدای تو، تو را به آنجا پراکنده کرده است، جمع کند. تو را به سرزمینی که در آیه 5 آمده است، بیاور.» و خداوند، خدای تو، دل تو را مختون خواهد کرد. «آیه 6» و دل نسل تو را مختون خواهد ساخت تا خداوند، خدای خود را با تمام دل و تمام جان خود دوست بداری تا زنده بمانی. و خداوند همه این لعنت‌ها را بر دشمنان تو نازل خواهد کرد.

خب، می‌بینید که در آنجا نه تنها به بازگشت به سرزمین، بلکه به بازگشت به سوی خداوند اشاره شده است، و ما مطمئناً آن بخش از آن را ندیده‌ایم، حداقل نه به طور گسترده. و در واقع، از آنچه من در مورد بشارت یهودی شنیده‌ام، واکنش یهودیان مهاجر به انجیل بیشتر از یهودیان بازگشته است، بنابراین، می‌دانید، فکر می‌کنم باید بیشتر صبر کنیم. شاید یک احیای بزرگ و روی آوردن به سوی خداوند در میان یهودیان جهان غرب رخ دهد، اما در آن صورت ما بازگشت بزرگتری را به اسرائیل پیش‌بینی خواهیم کرد. من نمی‌دانم که همه این چیزها چگونه پیش خواهد رفت، فکر نمی‌کنم همه چیز هنوز سر جای خود باشد - این برداشت شخصی من است.

سوال: آیا خدا پس از همکاری با کلیسا، دوباره به همکاری با یهودیان روی خواهد آورد؟

خب، بله، تا حدودی این حرف درست است، و تا حدودی هم درست است. به نظر من اگر به رومیان ۱۱ برویم، این توالی وجود دارد که در آن خدا در دوره عهد عتیق با قوم یهود کار می‌کرد، و سپس وقتی آنها مسیح را رد کردند، او به غیر یهودیان روی آورد؛ اما سپس یهودیان حسادتشان برانگیخته می‌شود و به سوی کسی که رد کرده بودند برمی‌گردند، و به نظر می‌رسد که در آن توالی، تمام اسرائیل نجات خواهد یافت. همانطور که پولس اینجا می‌گوید، به نظر می‌رسد که یک چرخش عظیم در قوم یهود رخ داده است، که فکر نمی‌کنم هنوز شاهد آن بوده باشیم.

اشعیا ۱۲ - سرود ستایش

بسیار خوب، فصل ۱۲ سرود ستایش است، و با توجه به همه این چیزها، این چیزهای بزرگی که قرار است اتفاق بیفتد - این یک فصل بزرگ است؛ یک فصل کوتاه" :و در آن روز خواهی گفت، ای خداوند، تو را ستایش خواهم کرد: اگرچه از من خشمگین بودی، خشم تو برگردانده شد و مرا تسلی دادی. اینک خدا نجات من است. من به او توکل خواهم کرد و نخواهم ترسید. زیرا خداوند، حتی خداوند، قدرت و سرود من است. او نیز نجات من شده است. بنابراین با شادی از چاه‌های نجات آب خواهید کشید. و در آن روز خواهید گفت: خداوند را ستایش کنید، نام او را بخوانید، کارهای او را در میان مردم اعلام کنید، ذکر کنید که نام او متعال است. برای خداوند سرود بخوانید؛ زیرا او کارهای عالی انجام داده است. این در تمام زمین معروف است. ای ساکن صهیون، "فریاد بزن و فریاد بزن: زیرا قدوس اسرائیل در میان تو عظیم است"

ببینید، در پایان این بخش، از این کارهای شگفت‌انگیزی که خداوند انجام خواهد داد صحبت می‌شود. آن سرود ستایش کوتاه در فصل ۱۲ وجود دارد، یک متن بسیار زیبا. خب، این پایان کتاب عمانوئیل، فصل‌های ۷-۱۲ است.

حالا به ساختار کتاب برگردید: به یاد داشته باشید که فصل‌های ۱-۶ آن اشعیا ۱۳-۲۳ داوری بر ملت‌های خارجی بخش از داوری-برکت، داوری-برکت، داوری-برکت، سه بخش است؛ ۷-۱۲ کتاب عمانوئیل، با پیشینه تاریخی خاص که در بخش‌های اولیه مشخص است که جنگ سوریه و افرایم است؛ بخش بعدی، ۱۳-۲۳، به آن نمی‌پردازم، اما اگر به یاد داشته باشید وقتی در مورد آن ساختار بحث کردیم، ۱۳-۲۳ پیشگویی‌های داوری بر علیه ملت‌های خارجی است. متوجه می‌شوید که باب ۱۳ بلافاصله با این جمله شروع می‌شود: «وحی بابل که اشعیا پسر عاموس آن را دید»، و شما پیشگویی داوری‌ای را دارید که قرار است بر بابل بیاید، و این پیشگویی تا باب ۲۳ ادامه دارد - بابل را دارید، در باب ۱۵ مواب را دارید، در باب ۱۷ وحی دمشق را دارید، در باب ۱۸ اتیوپی را دارید، در باب ۱۹ مصر را دارید، و غیره... پیشگویی‌های داوری علیه ملت‌های خارجی.

این بخش کوچکی به نام «آخر الزمان کوچک اشعیا» است، بخشی بسیار جالب که داوری ۲۴-۲۷، قریب‌الوقوع بر بی‌خدایان را به تصویر می‌کشد که به نظر می‌رسد دامنه جهانی دارد، و سپس برقراری پادشاهی خدا و برکت برای کسانی که از آن او هستند. من هم به آن بخش، اشعیا ۲۴-۲۷، نمی‌پردازم.

می‌خواهم به ۲۸-۳۵ بروم، که اگر به خاطر داشته باشید، اشعیا ۲۸ به موازات کتاب عمانوئیل (اشعیا ۷-۱۲) اشاره کردم که از بسیاری جهات شبیه کتاب عمانوئیل، بخشی که همین الان در مورد آن بحث کردیم، است. پیشینه تاریخی به صراحت نیست، اما به نظر می‌رسد که عموماً در همان بازه زمانی ۷-۱۲ باشد. بنابراین بیایید به فصل بپردازیم. همانطور که اشاره کردم، شباهت‌هایی با کتاب عمانوئیل وجود دارد، در کتاب عمانوئیل پیشینه ۲۸ تاریخی به وضوح در فصل ۷ ارائه شده است؛ وقتی به فصل ۲۸ می‌رسید، هیچ توضیح واضحی از زمینه تاریخی این پیشگویی وجود ندارد. به ما گفته نشده که این پیام کجا بیان شده است، اما به نظر می‌رسد که خطاب به اشراف یا رهبران سرزمین بوده است. از سوی دیگر، اشعیا ۷ خطاب به پادشاه بوده است. در اینجا ما در مورد اشراف، رهبران سرزمین، صحبت می‌کنیم، نه به طور خاص پادشاه، و وقتی فصل را به پایان می‌خوانید، متن به همراه برخی از عبارات نشان می‌دهد که این پیام ممکن است در ضیافتی از اشراف ارائه شده باشد، و ما به فصل خواهیم رفت و خواهیم دید که چرا این گفته شده است. شاید آنها تصمیم خود را برای درخواست کمک از آشور جشن گرفتند. به یاد داشته باشید که در آن تهدید سوریه-افرایم، آنها به آشور روی آوردند و با آشور اتحادی منعقد کردند که به نظر می‌رسد احتمالاً زمینه این فصل باشد. حال، وقتی به اوایل فصل می‌رسید، فکر می‌کنم تا حدودی متوجه روشی می‌شوید که اشعیا پیام خود را برای جلب توجه ارائه می‌دهد. او با محکوم کردن آن اتحاد با آشور شروع

نمی‌کند. او با حمله به رهبران پادشاهی شمالی، افرایم، شروع می‌کند، درست مثل عاموس، یادتان هست. وقتی عاموس می‌خواست نبوت خود را بر پادشاهی شمالی متمرکز کند، با ملت‌های خارجی شروع کرد؛ به ملت‌های پسر عمویش رسید، و سپس به یهودا رسید، و در نهایت - پس از اینکه به سخنانش گوش داده شد - با محکوم کردن پادشاهی شمالی به محور پیام خود می‌رسد.

خب، اشعیا در اینجا با یهودا شروع نمی‌کند، اما مشخص اشعیا ۱:۲۸ به بعد سرزنش می‌خواران افرایم می‌شود که محور پیام او همین است. به آیه اول توجه کنید: «او می‌گوید:» وای بر تاج غرور، بر مستان افرایم، که زیبایی باشکوهشان گلی پژمرده است، که بر سر دره‌های بارور مغلوبان شراب است! اینک خداوند کسی قدرتمند و زور آور دارد که مانند تگرگ شدید و طوفان ویرانگر، مانند سیل آب‌های خروشان، با دست بر زمین خواهد انداخت. تاج غرور، یعنی مستان افرایم، زیر پاها پایمال خواهد شد. و زیبایی باشکوهشان که بر سر دره بارور است، گلی پژمرده و مانند میوه‌های زودرس قبل از تابستان خواهد بود؛ که چون کسی به آن بنگرد، در حالی که «هنوز در دست اوست، آن را می‌خورد».

او با این نکوهش از شرابخواران افرایم شروع می‌کند و با استفاده از زبان تمثیلی، از نابودی سامره، پایتخت پادشاهی شمالی، سخن می‌گوید. او از سامره به عنوان «این تاج غرور که زیبایی باشکوهش گلی پژمرده بر سر دره‌های سرسبز است» یاد می‌کند. آن پایتخت، سامره، تاج و افتخار مردم پادشاهی شمالی، مانند گلی پژمرده خواهد شد - این چیزی است که او می‌گوید. بنابراین بدیهی است که سامره هنوز سقوط نکرده بود - ما قبل از ۷۲۱ قبل از میلاد هستیم. اشراف یهودا، که اشعیا با آنها صحبت می‌کرد، بدون شک از شنیدن این پیشگویی که سامره نابود خواهد شد، خوشحال می‌شدند. و تا زمانی که اشعیا به پادشاهی شمالی حمله می‌کند، آنها آماده گوش دادن به او هستند. بنابراین او در آیه ۲ می‌گوید: «خداوند کسی قدرتمند و زور آور دارد که مانند تگرگ شدید و طوفان ویرانگر، مانند سیل آب‌های خروشان، [پادشاهی شمالی] را سرنگون خواهد کرد.» تاج غرور، یعنی مستان افرایم، زیر پاها پایمال خواهد شد. و زیبایی باشکوهی که بر سر دره بارور است، مانند گلی پژمرده و مانند میوه زودرس قبل از تابستان خواهد بود که وقتی کسی به آن نگاه می‌کند، آن را می‌بیند، در حالی که هنوز در دست اوست، آن را می‌بلعد.» بنابراین او با آن توصیف مجازی از نابودی قریب‌الوقوع سامره شروع می‌کند.

و سپس آیات ۵ و ۶: تضادی به زمانی در اشعیا ۲۸: ۵-۶ خداوند به عنوان جلال برای بازماندگان قوم خود آینده کشیده می‌شود که خداوند تاج جلال خواهد بود، نه شهر سامره، بلکه خداوند تاج جلال برای بازماندگان قوم خود خواهد بود. ببینید، او در آیه ۵ می‌گوید: «در آن روز، خداوند لشکرها برای بقیه قوم خود تاج جلال و تاج زیبایی خواهد بود، و برای کسی که در داوری می‌نشیند، روح عدالت و برای کسانی که جنگ را به دروازه‌ها می‌برند، قدرت خواهد بود.» نه یک شهر، بلکه خود خداوند، که به قوم خود پیروزی و داوری خواهد داد، در

آینده‌ای پر از جلال خواهد بود. بنابراین سامره نابود خواهد شد، و سپس توجه به زمانی در آینده جلب می‌شود که نه یک شهر، بلکه خداوند تاج جلال برای بقیه قوم خود خواهد بود.

وقتی به آیات ۷ و ۸ می‌رسید، تغییر فکری شدیدی در آیه ۷ وجود اشعیا ۷: ۲۸-۸ یهودا مستانی به بدی افرایم دارد. کینگ جیمز در آنجا ترجمه بدی دارد؛ می‌گوید: «اما آنها نیز از شراب و از مسکرات گمراه شده‌اند». اما به معنای «و نیز اینها «است، و باید اینگونه خوانده شود، «و اینان *wegam elleh* ایشان نیز»، در عبری آنجا می‌گوید، «از شراب می‌لنگند و از آجیو می‌غلتنند». در انجیل انگلیسی جدید آمده است: NIV نیز. «همانطور که اینان نیز به شراب معتادند». عبری واضح است، منظور «اینان» است. مفهوم ضمنی این است که اشعیا در مورد شمال صحبت می‌کرده، اما او با اشراف جنوب صحبت می‌کند، و در اینجا رو به آنها می‌کند. او در آیه ۱ گفت: «وای بر تاج غرور، بر مستان افرایم»، اما اکنون می‌گوید: «اما اینها نیز از شراب می‌لنگند و از آجیو می‌غلتنند». به عبارت دیگر، افرادی که درست روبروی او نشسته‌اند. او به این اشراف زادگان در حال ضیافت در مقابل خود اشاره می‌کند و می‌گوید: «شما به بدی مستان افرایم هستید». اما اینها نیز از شراب و مسکرات گمراه شده‌اند و گمراه شده‌اند؛ کاهن و نبی از مسکرات گمراه شده‌اند؛ از شراب بلعیده شده‌اند؛ از مسکرات گمراه شده‌اند؛ در رؤیا گمراه می‌شوند، در داوری می‌لغزند. زیرا همه سفره‌ها پر از استفراغ و کثافت است، به طوری که جایی پاک نیست. «زبان تند، به ویژه اگر او در نوعی ضیافت با این رهبران باشد»: سفره‌های شما پر از استفراغ است، شما مستان یهودا هستید».

حال، می‌توانید تصور کنید که این نوع زبان اشعیا ۹: ۲۸-۱۰ اشراف پاسخ می‌دهند: فکر می‌کنید چه کسی هستید؟ ممکن است در کسانی که به آن گوش می‌دهند، خشم و واکنش ایجاد کند. و آیات ۹ تا ۱۰ پاسخ شما را می‌دهند، و من فکر می‌کنم آنچه در آیات ۹ تا ۱۰ می‌بینید همان چیزی است که این بزرگان یا گفته‌اند یا حداقل به آن فکر می‌کردند: «به چه کسی دانش بیاموزد؟ به چه کسی اصول را بفهماند؟ به کسانی که از شیر گرفته شده‌اند و از سینه‌ها گرفته شده‌اند؟ زیرا دستور باید روی دستور، دستور روی دستور باشد؛ سطر روی سطر، سطر روی سطر؛ کمی اینجا و کمی آنجا». «من فکر می‌کنم ایده کاملاً واضح است که این بزرگان می‌گویند»: فکر می‌کنی کی هستی؟ تو کی هستی که فکر می‌کنی می‌توانی چیزی به ما یاد بدهی؟ به چه کسی علم یاد می‌دهد؟ به چه کسی اصول را می‌فهماند؟ «و سپس مفهوم آن این است که او با آنها مانند کودکان خردسال رفتار می‌کند و با «سطر روی سطر، قاعده روی قاعده، قاعده روی قاعده» اخلاقی خود به آنها درس می‌دهد، و اینجاست که باید این را به *ki sav*: زبان عبری بخوانید تا واقعاً طعنه آنچه در اینجا گفته می‌شود را بفهمید. آیه 10 در عبری چنین می‌خواند و غیره *lesav, sav lesav, kav lekav, kav lekav*.

به نحوه ترجمه کتاب مقدس اورشلیم گوش دهید، که تا حدودی یک نقل قول است، اما من فکر می‌کنم

جوهره آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد را به ویژه از زبان عبری دریافت می‌کند. کتاب مقدس اورشلیم می‌گوید: «او فکر می‌کند برای چه کسی سخنرانی می‌کند؟ فکر می‌کند پیامش برای چه کسی است؟ نوزادانی که تازه از شیر گرفته شده‌اند؟ نوزادانی که تازه از سینه مادر گرفته شده‌اند؟ با سینه مادر او «و سپس کتاب مقدس اورشلیم حتی آن را ترجمه نمی‌کند، مثل یاهوگویی یک نوزاد است،» کی ساو لساو، ساو لساو، ساو لساو، کاو لساو، کاو لساو. «انگار که آنها با طعنه می‌گویند: فکر می‌کنی با ما مثل نوزادان رفتار می‌کنی با حرف‌های کودکانه‌ات؟» در کتاب مقدس اورشلیم یادداشتی وجود دارد که این را می‌گوید: «تقلید از موعظه اشعیا، که آنها آن را نامفهوم می‌دانند، با کلماتی که به دلیل ارزش صوتی‌شان انتخاب شده‌اند، و یادآور یاهوگویی‌های یک کودک. اگر قرار باشد این کلمات ترجمه شوند، اینگونه خواهند خواند: دستور روی دستور، دستور روی دستور؛ حکومت روی قانون؛ یک قانون حکومت کن؛ کمی اینجا؛ کمی آنجا.» «تفسیر جدید کتاب مقدس می‌گوید: عبارت عبری آیه ۱۰ یک صدای زنگوله است، تقریباً معادل «بله، بله، بله» [که به تمسخر گفته می‌شود، اما نه کاملاً بی‌معنی].» می‌بینید، معنایی وجود دارد که آن «حکومت روی قانون، حکومت روی قانون، سطر روی سطر» است. جی. بی. فیلیپس می‌گوید: «آیا ما تازه از شیر گرفته شده‌ایم؟ آیا باید یاد بگیریم که قانون، قانون است؟ قانون، قانون است؟ بله،» خداوند با لب‌های لکنت‌دار و زبان بیگانه با این قوم سخن خواهد گفت. «یعنی، عقل خدا را بی‌معنی کنید، و شما از آشور سیر خواهید شد».

حالا می‌بینید که در آیه ۱۱ همین اتفاق می‌افتد: شما. اشعیا ۲۸:۱۱ خدا با لب‌های بیگانه با آنها سخن خواهد گفت عقل خدا را بی‌معنی می‌کنید و این را مسخره می‌کنید و با طعنه در مورد موعظه اشعیا صحبت می‌کنید، خداوند در آیه ۱۱ چه می‌گوید: «زیرا با لب‌های لکنت‌دار» (این ترجمه بدی از کینگ جیمز است، «اما با لب‌های غریب و می‌گوید:» بسیار خوب، NIV. آن را خوب ترجمه می‌کند NIV زبان دیگر با این قوم سخن خواهد گفت.» ترجمه پس، «شما این پیام را مسخره خواهید کرد،» بسیار خوب، پس خدا با لب‌های بیگانه و زبان‌های بیگانه با این قوم سخن خواهد گفت.» به عبارت دیگر، خدا به روشنی با آنها صحبت کرده است، دستور روی دستور، سطر روی سطر. آنها این را مسخره می‌کنند؛ از گوش دادن امتناع می‌کنند؛ او را مسخره می‌کنند؛ و تعلیمات واضح را مانند یاهوگویی جلوه می‌دهند. بنابراین، چه اتفاقی قرار است بیفتد؟ آیه ۱۱، خدا به آنها چیزی شبیه یاهوگویی به شکل حمله ارتش آشوری خواهد داد که گفتارشان برای آنها نامفهوم خواهد بود، بنابراین خدا با «لب‌های بیگانه و» زبان‌های بیگانه با این قوم سخن خواهد گفت.

در آیات ۱۲ و ۱۳، سرزنش ادامه می‌یابد: «به ایشان گفت: اشعیا ۱۲: ۲۸-۱۳ خداوند یهودا را سرزنش می‌کند این است آرامی که به وسیله آن می‌توانید خستگان را آرام کنید. و این است آرامش، اما ایشان نشنیدند. اما کلام خداوند «- کینگ جیمز می‌گوید «بود»، اما باید باشد» خواهد بود»، این یک واو متوالی با کامل است - «اما کلام

خداوند برای ایشان خواهد بود»، و سپس تکرار آن را می‌شنوید «: *سِوا، سِوا*. کلام خداوند برای ایشان حکم بر حکم، حکم بر حکم؛ سطر بر سطر، سطر بر سطر؛ کمی اینجا، کمی آنجا؛ تا بروند و به عقب بیفتند و شکسته شوند و به دام افتند و گرفتار شوند «. این سرزنش ادامه دارد، خداوند به آنها فرصت داده است تا با پیروی از او، با توکل به او به جای توکل به آشور، آرامش و تجدید قوا را تضمین کنند، اما آنها نمی‌خواستند گوش دهند. بنابراین آنچه اشعیا می‌گوید، یا خدا از طریق اشعیا می‌گوید، این است: «آنها سخنان او را به طریقی دیگر از طریق مهاجمان آشوری خواهند شنید که به زبانی صحبت خواهند کرد که آنها نخواهند فهمید «و سپس خداوند تمسخر و *sav lesav، kav lekav* آنها را تقلید می‌کند تا زبان نامفهوم فاتح را به نمایش بگذارد. کلام خداوند برای آنها غیره خواهد بود.

بنابراین می‌بینیم که وقتمان تمام شده است؛ دفعه‌ی بعد باید همینجا جمع شویم.

رونویسی شده توسط نائومی تووز، ۲۰۰۹ کالج گوردون
 تدوین: کارلی گیمن
 ویرایش اولیه توسط تد هیلدبرانت
 ویرایش نهایی توسط دکتر پری فیلیپس
 روایت مجدد توسط دکتر پری فیلیپس